

# خطر در روبرو!

## اشتباهات انگیزشی در تربیت

■ ابراهیم اصلانی  
روانشناس تربیتی

در این شماره از مقاله‌های «اشتباهات انگیزشی در تربیت»، نویسنده چند موضوع را مطرح کرده است. هدف عمده در این نکات، یادآوری خطاهای دانشی و نگرشی والدین و مربیان است. گاهی تصور می‌کنیم کاری برای انگیزش مؤثر است، اما از ابعاد و تبعات منفی آن غافل می‌مانیم. ساده‌انگاری در انگیزش اقدامات و نتایجی در پی دارد که اهداف اصیل تربیت را مخدوش می‌کند. بنابراین، تلاش انگیزشی خوب است، اما نه با هر روشی و به هر قیمتی!

### کلیدواژه‌ها: انگیزش، هدف، موفقیت

#### انگیزش فقط وسیله نیست

انگیزش، به‌طور معمول، وسیله یا ابزاری تلقی می‌شود که کودکان و نوجوانان را به یادگیری و انجام فعالیت‌های موردنظر ترغیب می‌کند. برای همین، در خانه و مدرسه دنبال ابزارهایی می‌گردیم که انگیزه را برای تلاش و جدیت تقویت کنند.

از نظر پرورشی، انگیزش هم هدف است و هم وسیله. به‌عنوان هدف، ما از دانش‌آموزان می‌خواهیم نسبت به موضوع‌های گوناگون علمی و اجتماعی

علاقه کسب کنند. تمام برنامه‌های درسی که در آن‌ها فعالیت‌های مربوط به جنبه‌های عاطفی وجود دارند، هدف‌های انگیزشی هستند. به‌عنوان وسیله، انگیزش یک پیش‌نیاز یادگیری به حساب می‌آید و تأثیر آن بر یادگیری کاملاً آشکار است. اگر دانش‌آموزان نسبت به درس علاقه‌مند باشند، به توضیحات آموزگار با دقت گوش خواهند داد، تکالیف درسی خود را با جدیت انجام خواهند داد، به دنبال کسب اطلاعات بیشتری در زمینه‌ی مطلب درسی خواهند رفت و پیشرفت زیادی نصیب آن‌ها خواهد شد (سیف، ۱۳۹۸). در خانه هم از فرزندان می‌خواهیم برای امور گوناگون زندگی شوق و علاقه داشته باشند و به‌طور کلی با انگیزه باشند. از طرف دیگر، هر کاری را با انگیزه‌ی بالایی انجام دهند تا به نتیجه‌ی مطلوب برسند. مثلاً اگر قرار است زبان دوم یاد بگیرند، وسیله‌ای را تعمیر کنند، کتابی بخوانند و در کاری کمک کنند، آن را با جدیت و علاقه انجام دهند. گاهی آن‌قدر وسیله بودن انگیزش اهمیت می‌یابد که از هدف بودن آن غفلت می‌شود. شوره، اشتیاق و علاقه برای کل زندگی و تلقی زندگی به‌عنوان یک موهبت و فرصت، هدف بسیار مهمی است. تلاش برای ایجاد انگیزه‌ی موفقیت در موضوعاتی که آن‌ها را مهم تلقی می‌کنیم، مانند درس خواندن، هدف اصلی زندگی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

#### انگیزش نباید با ساده‌انگاری همراه باشد

انگیزش هم آسان است و هم سخت. آسان است برای کسانی که آن را در روش‌های معمول مانند تشویق کلامی و جایزه و پاداش خلاصه می‌کنند و سخت است برای کسانی که می‌خواهند متناسب با میانی و اصول تربیت عمل کنند. انگیزش زمانی که با دانش و تسلط تربیتی همراه باشد، می‌تواند با کیفیت بهتر و اطمینان بیشتر به کار رود. والدین، معلمان و مربیانی که تلاش می‌کنند به درک درستی از مفاهیم و آموزه‌های تربیتی برسند، در مورد انگیزش هم دقت و ظرافت و حوصله به خرج می‌دهند. این گروه، در



مورد انگیزش، به یافته‌های نظری و عملی اهمیت می‌دهند و نه فقط به انگیزش فرزندان و دانش‌آموزان، بلکه به انگیزش خودشان هم به‌همی دهند و برای آن وقت صرف می‌کنند.

ضعف در دانش تربیتی، روزمرگی و اکتفا به تجربه‌های راکد و کلیشه‌ای، می‌تواند در درس‌ساز باشد و پیشبرد برنامه‌های انگیزشی خانه و مدرسه را مختل کند. توقف در روش‌های انگیزشی کلیشه‌ای و اصرار در کاربرد روش‌های رایج مانند، جایزه، پاداش، مقایسه، رقابت، اجبار و تأکید بر عوامل بیرونی، از اثربخشی انگیزش می‌کاهند. در این وضعیت، والدین و معلمان به جای یافتن ضعف‌ها و خطاهای خود، به انواع تحلیل‌ها و بهانه‌ها توسل می‌جویند.

بنابراین، باید زاویه‌ی نگاه را عوض کنیم. انگیزش نباید دچار ساده‌انگاری و سهل‌انگاری شود. اصولاً کسانی که ضعف دانش تربیتی دارند، باید انگیزش را هم کاری سخت تلقی کنند. ارزیابی این موضوع نباید کار دشواری باشد. وقتی

اقدامات انگیزشی جواب نمی‌دهند، معنایش این است که ضعف‌هایی وجود دارند.

### انگیزش ترغیب به تکروی نیست

اگرچه محصول انگیزش در فرد دیده می‌شود، اما انگیزش کارکرد جمعی هم دارد. گاهی یک فرد جمعی را به حرکت درمی‌آورد و زمانی هم جمع، به فرد انگیزه می‌دهد تا کاری بکند. در فوتبال، دیده‌ایم که گاهی افزوده‌شدن یک بازیکن به تیم، روحیه و بازی تیم را دگرگون کرده و عامل موفقیت تیم شده است. گاهی هم بازیکن به تیمی می‌رود که به اصطلاح در آن جا می‌افتد. بازیکنی که در تیم دیگر جایگاهی نداشت و موفق نبود، در تیم جدید، با بقیه‌ی بازیکنان به هم فهمی و هماهنگی تیمی می‌رسد و برای خودش و تیم موفقیت می‌آفریند.

پس، یک خطر انگیزشی جایی است که انگیزش را بیش از اندازه فردی ببینیم و روی انگیزه‌های فردی تمرکز داشته باشیم. والدینی که دائم در گوش

فرزندشان می‌خوانند او می‌تواند از همه جلو بزند، او بهترین است، هیچ‌کس نمی‌تواند مثل او باشد، موفقیت او مهم‌تر از هر چیزی است، زیاد به فکر دیگران نباشد، فقط به منفعت خودش فکر کند و... روحیه‌ای را ایجاد می‌کنند که به تکروی و در مراحل بعد به خودخواهی و چه‌بسا خودشیفتگی منجر می‌شود. عوامل مدرسه هم ممکن است به دلایلی، از جمله برای رسیدن به توفیق‌ها و پیروزی‌هایی که نام مدرسه را مطرح و معروف می‌کنند، روی دانش‌آموزانی که مستعد موفقیت در زمینه‌ای خاص هستند، بیشتر سرمایه‌گذاری کنند. اگر در مدرسه روحیه‌ی موفقیت فردی، برتری‌جویی و پیشی گرفتن از بقیه ترغیب شود، آنچه قابل پیش‌بینی است، فضایی آکنده از چشم و هم‌چشمی، رودرویی و مقابله است. می‌گویند گرگ‌ها زمانی که گرسنه هستند، هنگام خواب، روبه‌روی هم و با چشمان باز می‌خوابند. آن‌ها از همدیگر و اینکه توسط هم‌گله‌ای‌ها خورده شوند، می‌ترسند!

انگیزش فردی لازم است، اما زمانی که انگیزش فقط مبتنی بر تکروی باشد، با اصول تربیت تناقض پیدا می‌کند. همان‌طور که زندگی جنبه‌های فردی و اجتماعی دارد، انگیزش هم بر پایه‌ی فرد و گروه استوار است. حتی زمانی که به فکر انگیزش فردی هستیم، نباید نتیجه به تقابل و برتری‌جویی برسد. از مثالی فوتبالی استفاده کنیم. کدام بهتر است: بازیکنی را با روش‌های انگیزشی تحریک کنیم تا از هم‌تیمی‌هایش بهتر بازی کند یا بازیکن را ترغیب کنیم با بازی خوب، در خدمت تیم باشد؟

انگیزش تکروی نیست، بلکه مستلزم کار گروهی و مشارکت است. اصولاً موفقیت در جمع و همراه با گروه، باید لذت بیشتری از موفقیت تکی و فردی داشته باشد. اگر کسی از موفقیت فردی بیشتر از موفقیت گروهی لذت می‌برد، باید دید در تربیت عاطفی و اخلاقی او چه کاستی‌هایی وجود داشته است!

